کنفرانس ملی
چالشهای معاصر در معماری، منظر و شهرسازی
National Conference on
Contemporary Challenges in Architecture, landscape and Urban Planning
March 3, 2016 تهران -اسفندماه۱۳۹۴

شهر دوستدار کودک، از نظر تا عمل

مریم برومند[۱] ،عزیزخانی فائقه*[۲]

چکیده

کودکان به عنوان حلقه های اتصال بخش بین نسل ها در تمامی زمینه ها نیازمند توجه ویژه ای هستند. این موضوع با در نظر داشتن شرایط خاص روحی و جسمی و نیز تاثیرپذیری فراوان آنها از محیط زندگی اهمیتی بیش از پیش می یابد. متاسفانه در شهرهای امروزی با گسترش مسائل و چالش ها، توجه به کودکان و اساسا منظور نمودن آنها به عنوان شهروند در طرح ها و برنامه های شهری بسیار محدود می باشد. پژوهش حاضر به عنوان یک پژوهش راهبردی- شهری و با اتخاذ رویکرد تحلیلی- تطبیقی ضمن مروری بر مفاهیم و اصول مرتبط با کودک و نیازهای وی به ویژه در شهر، موضوع شهر دوستدار کودک را مورد تاکید قرار داده و در این مسیر مروری بر تجربیات داخلی و خارجی انجام شده در این زمینه داشته است. نتایج بیانگر آن است که مهمترین ویژگی شهر دوستدار کودک در میزان تناسب فضاهای شهری آن با نیازها و شرایط خاص کودک می باشد.

کلمات کلیدی: کودک، شهر دوستدار کودک، برنامه ریزی و طراحی شهری، مطالعه تطبیقی.

[۱] دانشجوی دکترای شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد. mry.brmd@gmail.com
[۲] دانشجوی کارشناسی شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس faeghehazizkhani@gmail.com

۱- مقدمه

علی رغم تلاشهای گسترده ای که به منظور بهبود شرایط زیست کودک در جهان صورت می گیرد ،اگرچه شرایط زیست او در طول دهه های گذشته بهبود نسبی یافته است،ولی مشگلات مربوط به کودکان هنوز به نحوچشمگیری وجود دارد . بر مبنای آمار سازمان ملل متحد ،کودکان جهان در سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱)حدود ۱/۸ میلیارد نفر از جمعیت جهان را تشکیل می داده اند .(یونیسف ،۱۳۸۰، ۶۹). طبق آمار سال ۱۳۷۷(۱۹۹۸) نیز عمده ترین عامل مرگ و میر کودکان زیر پنج سال ،شرایط زایمان ۲۰ در صد ،عفونت های تنفسی ۱۸ درصد ،بیماریهای اسهالی ۱۷ درصد ،بیماریهای قابل پیشگیری با واکسن ۱۵ درصد،مالاریا ۷ درصد و ۲۳ درصد نیز در اثر ابتلا به سایر بیماریها در گذشته اند . سرخک به تنهایی ۷ درصد از کل رقم مرگ و میر کودکان کمتر از پنج سال جهان است که یمی از آن ها خرد سال کمتر از یک سال بوده اند (شیعه،۱۳۹۱،۷۷).

در چاره جویی به منظور بهبود شرایط اجتماعی کودکان در زندگی جمعی شهرها و افزایش توانایی اجتماعی آنان ،باید در درجه ی نخست به رشد و تکامل همراه با تندرستی کودک اندیشید . سپس با تقویت خانواده ها به عنوان پرورانده اصلی کودکان ،زمینه را برای اقدامات بعدی مهیا ساخت.فراهم آوردن خدمات بهداشتی ،آموزش و تغذیه از یک سوی و ایجاد پیوند بین کودکان و خانواده ها یا سازمان هایی که دارای خدمات اجتماعی لازم باشند،بسیار ضروری است(یونیسف،۱۳۸۰،۵۱).

اینک که کودکان در عرصه های محیطی شهر های بزرگ و بنا بر شرایطی که در زندگی جمعی بر آن ها تاثیر می گذارد،مجبور استمرار زندگی هستند،باید احتمال مخاطرات و نابسامانیها را در عرصه های مختلف به حداقل رسانید. بدیهی است که علاوه برخانه و مدرسه ،باید فضاهای اجتماعی دیگری در این شهر ها وجود داشته باشد که ضمن ایجاد حلقه پیوند با این دو نهاد اساسی ،به مسائل پرورش بیشتر کودکان توجه کند. معضلات زندگی جمعی در شهر ها و مخاطراتی را که ممکن است برای آنها به وجود آید ،در قالب برنامه های مختلف به آنان یادآور شود و به مثابه پادزهری در مقابله با انواع نابسامانیهایی که در راه پرورش کودک وجود دارد ،عمل نماید.

امروزه" شهر دوستدار کودک[۳]"1مورد توجه برنامه ریزان و دستاندرکاران شهری قرار گرفته است.در سال 1989 میلادی، نمایندگان کشورهای جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیمان حقوق کودک را تأیید و امضا کردند و متعهد شدند تا برای تصویب و اجرای آن در کشورهای خود تلاش نمایند .این عهدنامه که به نام" معاهده حقوق کودک "معروف است،همه دولتها و مردم جهان را به ساختن دنیایی بهتر برای کودکان تشویق می کند .برای نخستین بار در سال 2007 میلادی" شهر بندیگو2 "در استرالیا از طرف" یونیسف3 "، عنوان(شهر دوستدار کودک)را به خود اختصاص داد".شهر اوز "در استان فارس نیز برای نخستین بار در ایران، به عنوان شهر دوستدار کودک در سال 1389 انتخاب شد (اسماعیل زاده و کیانی،۱۳۹۱:۵۱).

[۳] cfc

پروژه های شهر دوستدار کودک فرصتی برای بهبود کیفیت زندگی و ارتقا بخشیدن به فضاهای شهری مورد استفاده کودکان محسوب می گردد که با مداخله و شرکت کودکان در ساختارمحیطی زندگی شان و دادن فرصت برابر برای استفاده از آنها فراهم می گردد (سینایی ، خادم الحسینی ، ۱۳۹۲).

۲- کودک و محیط

طبق تعریف فرهنگ فارسی معین، کودک به معنای کوچک، صغیر و فرزندی که به حد بلوغ نرسیده پسر یا دختر می باشد. در فرهنگ میراث آمریکایی نیز از کودک به عنوان شخصی که بین تولد تا دوران بلوغ قرار دارد، یاد شده است.از طرف دیگر طبق تعاریف حقوقی در جمهوری اسلامی ایران، کودک به فردی اطلاق می شود که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد. با توجه به تعاریفی که عنوان شد،این نتیجه حاصل می شود که منظور از کودک کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد و با توجه به اینکه بلوغ معمولاً در بین پسرها بین ۱۳ تا ۱۶ سالگی و در دخترها بین ۱۱ تا ۱۴ سالگی اتفاق میافتد،انتخاب معیار کمتر از ۱۲ سال کامل برای تعریف کودک مبنای مناسبی را به دست می دهد (شیعه، ۱۳:۱۳۸۶).

تولد ،شرایط رشد جسمی و فکری ،دختر یا پسر بودن ، با خانواده یا بدون آن بودن، سلامت جسمی و روانی ،شرایط و مراحل تربیتی ، نوع درآمد خانواری که کودک در آن زیست می کند ،انتظار و خلق و خو و مانند آن ها ،از جمله ابعاد قابل مطالعه درباره کودک است . از دیگر سوی می توان جمیع شرایط فوق را در تقسیم بندی کودک و محیط فردی و جمعی کودک مورد بررسی قرار داد. ولی مهمترین بحث در این قسمت کیفیت و شرایط محیط است (شیعه،۱۶:۱۳۹۱).

محیط اجتماعی کودک که در قالب یک محیط عمومی بر تمام اوضاع و احوال جامعه کودک و مقتضیات عمومی او ـ به عنوان بخشی از کل جامعه به طور عمومی- تاثیر مشترک دارد،مورد نظر می باشد . با توجه به آنکه این محیط به صورت مثبت یا منفی بر شرایط رشد جسمی، فکری، شخصیتی و تربیتی کودک تاثیر به سزایی دارد، نکته دیگری را نیز می توان بر آن افزود . این نکته آن است که در محیط تربیتی کودک (محیط تربیتی فردی و خصوصی و محیط تربیتی جمعی و عمومی)،محیط عمومی او می توانند در دو قالب دیگری مطرح شود که یکی محیط تربیتی عمدی و دیگری محیط تربیتی فرهنگ عمومی است (معیری،۱۳۸۰،۱۵۰).

:محیط تأثیر مستقیم و قاطع روی هر موجود زنده دارد ، برگزینه های رفتاری تأثیر میگذاردو حواس را به کار میگیرد. بنابراین باید به نیاز همه اقشار استفاده کننده توجه ویژه داشته باشد(قره بیگلو، ۱۳۹۱ : ۸۸).توجه به طراحی فضاهای شهری، به ویژه در پروژ ه هایی که با اهداف مشارکت کودکان و توجه به نیازها و خواسته های آنها می باشد، میتواند علاوه بر فراهم آوردن محیطی منطبق

بر خواسته های کودکان، با ایجاد فرصت مشارکت و دادن نقش اجتماعی به آنها موجب بالا بردن آگاهی های اجتماعی و توسعه مشارکت واقعی و خلاقانه در جامعه باشد(کامل نیا،۱۳۸۸:۷۸).

دوران کودکی کودک با کنجکاوی ،جنب و جوش و فعالیت ، تهور و بیم و هراس ،میان جمع بودن و گوشه گیری ،در عین رشد جسمی و روانی همراه است. هر یک از شرایط فوق برای کودکان دارای ویژگی های متفاوتی است.(شارپ و دیگران،۱۳۷۹). ایجاد محیط های یکنواخت ،خشن،ملال آور و همراه با عوامل مساله برانگیز، برای کودک به همان اندازه اهمیت دارد که ایجاد فضاهای باز،در کنار طبیعت، میل به یک زندگی اجتماعی سالم ،همراه با قصه پردازی و شعر وموسیقی و هیاهو بر او تاثیر می گذارد .

کودکان ،در ارتباط با شرایط خود علاقه مند به بازی،ورزش،شعر،موسیقی،مطالعه،نقاشی،احساس شخصیت ، قصه خوانی ،دیدن حیات وحش ،فضای باز و سبز ،دیدن هم سنیها ،تماشای سینما و تلوزیون و گذراندن اوقات فراغتی هستند که وقت عمده آنها را به خود اختصاص دهد (کریمیان و دیگران،۱۴۸،۱۳۸۰).

اوان دوران کودکی انسان با هیاهو و فعالیت توام است. بنابر این کودکان علاقه مندند که برای تامین علائق خود را برای هر یک از این فعالیت ها فضایی را جستجو کنند.اگر این در داخل خانواده یا مدرسه پیدا نشد ،در غیر این صورت موجوداتی افسرده و تحت فشار روانی محیط (environmental stress)[۴] قرار می گیرند.امروزه ثابت شده است که فشارها و ناسازگاریهای عاطفی دوران کودکی ،عامل اصلی اشاعه و گسترش فشارها و ناراحتیها در ارتباط عاطفی آنها در دوران بزرگسالی است(داگلاس،۲۳،۱۳۷۴).

جین جیکوبز-j.jacob-

بر این باور است که در اجتماع شهری و در پیوند بین خانه و مدرسه ،مهمترین علائق کودکان به ایمنی خیابان ،تنوع کاربری های زمین،شادابی و سرزندگی شهر باز می گردد،که کلید اصلی رفع نگرانیهای اساسی تمام جمعیت و از جمله کودکان است (derek،۱۹۹۷،۶۰).

آماده سازی محیط به منظور رشد و نمو کودک باید با آگاهی از شرایط روحی و روانی او صورت گیرد . در چنین شرایطی باید برای کودک به منظور زیست سالم در محیط اجتماعی ،با مطالعه به کار پرداخت و اقدام به ایجاد یک نوع برنامه حمایتی کرد. باید خلق و خو و شخصیت کودک را شناخت،حمایت های خانوادگی در محیط اجتماعی را مورد توجه قرار داد و چرخه حمایتی خارج از محیط خانوادگی او را که در شرایط کودک موثر واقع می شود و باعث قدرت بخشیدن به شیوه سازگاری او می گردد،مورد برنامه ریزی قرار داد (داگلاس،۲۲۶،۱۳۷۴).

در مجموع ، می توان به این نتیجه رسید که کودک علاوه بر خانواده و مدرسه روشهای رفتاری،کرداری ،نحوه نگرش و شخصیت خود را از محیط اجتماعی پیرامون خود می گیرد. برخی از آنها مانند تربیت و رفتار به طور مستقیم ودر اثر تماس به کودک منتقل

[۴] استرس های محیطی

می شود و پاره ای دیگر مانند فقر و بیسوادی ،نوع مسکن ودیگر شرایط به طور غیر مستقیم نقش خود را بر کودک باقی می گذارد. فساد در محیط یا سالم بودن آن حاصلی جز آنچه که از آنها انتظار می رود ،در پی ندارد.

اقدامات گسترده ای در زمینه بهبود شرایط کودکان در نقاط مختلف جهان و در عرصه مربوط به زندگی جمعی در شهرها صورت گرفته است . از جمله می توان به پارک های بزرگ محله ای در نیویورک به منظور ارتقا سلامت جسمی و روانی کودکان که در خانواده های کم در آمد زندگی می کنند- از اقدامات سالهای ۱۹۹۵تا۱۹۹۷-اشاره داشت.همچنین می توان به تحقیقات دیگری به منظور تاثیر محیط کالبدی بر کودکان و بهبود این شرایط در شهرها ،الفبای زندگی در شهر که حاویفناوریهای چند رسانه ای -multi media- [۵]در محله های شهری- مانهاتان نیویورک است و از طریق مدرسه های محله ای هدایت می شود، طرح ایجاد فضاهای سبز و بزرگ برای ورزش در میان واحدهای مسکونی و سالم سازی خیابانها و معابر عمومی اشاره کرد (http:/web.gc.cuny).

نیازهای کودک در فضای شهری

از دیگر مواد مهم در عرصه های زندگی شهری،ایجاد فضاهای مناسب برای کودکان است. فضا (space)[۶] یک واقعیت لایتناهی است که از طریق محصوریت،کانونیت و فعالیت تعریف می شود. در ارتباط با مسائل شهری ،فضا عبارت از آن است که امکان ایجاد فعالیتی در آن وجود داشته باشد. در شهرسازی ،فضا در ارتباط با ساختمان های اطراف خود ، معنی پیدا می کند . فضای شهری به عناصر ویژه ای در شهر گفته می شود که واجد ارزشهای زیبا شناختی بوده و دارای حیات و فعالیت باشد. با این وجه ،خیابانها ،میادین و عناصر عمومی شهری مانند پارک ها و فضاهای باز و ورزشی از جمله فضاهای شهری محسوب می شود .از جهتی دیگر ،فضا با نوع استفاده ای که در آن صورت می گیرد ، نیز تعریف می شود . فضای شهری ساختاری سازمان یافته، آراسته و واجد نظم به صورت کالبدی برای فعالیت های انسانی است (توسلی،۱۳۶۹،۱۸۰).

کودکان در فضای شهری با افراد مختلف اعم از هم سنیها یا غیر همسنیها و آدمیان مختلفی که از نظر سطح فرهنگی و اجتماعی گوناگون اند ، تماس می گیرند. راه بین خانه و مدرسه از میان چنین فضاهایی می گذرد و سهم سهم عمده ای از اوقات فراغت آناندر این فضا سپری می گردد. در این گونه فضاها ،کودکان در صورتی که به نحو هدایت شده و درستی نظارت نشوند، محدودیتی برای آموزش آنچه که در این فضاها می گذرد،ندارند. اگر فضای شهری نقش هدایتگر درستی داشته باشد،کودک به همان اندازه از آن می آموزد و یاد می گیرد که این فضاها نقشی تخریبی به خود گرفته و زحمات تربیتی تعلیم داده شده را نیز بر باد دهند. از دیدگاه ، چنین فضاهایی به عنوان زبان گویای شهر محسوب شده و مهمترین عامل ارتباطی شهر با تمام اقشار است.(صدوقیان زاده،۱۳۷۵،۷۷).

لوکوربزیه-le corbusier-معمار مشهور،طرحی کارآمدو ساده از برنامه کودکان تنظیم کرده بود که بر اهمیت حضور کودک در شهر تاکید می کرد.در شهر درخشان پیشنهادی وی ،مدرسه،فضاهای باز و مجموعه های مسکونی که برای زندگی خانوادگی

[۵] چند رسانه ای
[۶] فضا

مناسب باشد،در موقعیتهای مناسبی پیش بینی شده است(رضویان،۱۳۷۸،۱).از دیدگاه دیگر،تحقیقات علمی مختلف ،محیط اجتماعی و روانی کودکان را در ساختمانهای بلند مرتبه مورد بررسی قرار داده است. این تحقیقات حاوی آن است که کودکان سنین کمتر از ۱۱سالگی که در ساختمانهای یک طبقه زندگی می کنند،به مراتب بیش از کودکانی که در ساختمانهای بلند یا چند مرتبه زندگی می کنند،میل به خروج از خانه را به منظور بازیدر فضای عمومی دارند. در این تحقیقات ،یکی از دلایلی که برشمرده شده ،خصوصیات روانی کودکان و موقعیت آنان در ارتباط با خانه و مادر می باشد. خصوصیات جدانشدنی از شخصیت کودک، تحرک وی و نیاز به بازی کردن با همسالان،به ناچار وجود فضایی خارج از خانه را ضروری می سازد. چنانچه فضاهای عمومی شهری به درستی پای گیرد،محیط مناسبی را به وجود خواهد آورد که کودکان و پدرو مادر،در آناحساس امنیت می کنند.از جمله توصیه هایی که در این مورد ،ضروری به نظر می رسد، آن است که ساختمانهای بلند مرتبه به لحاظ خدشه دار ساختن سلسله مراتب خصوصی شدن فضاهای شهری و از نظر ویژگیهایی که بر شرایط فضاهای نیمه خصوصی- کوچه های بن بست- مترتب است،نباید در میان بافتهای با ساختمانهای کوتاه بویژه در فضاهای نیمه خصوصی شکل گیرند(صدوقیان زاده،۵۳-۵۲ ،۷۷).

بازی در کودکان از غرایز طبیعی آنان محسوب می شود و برای رشد متعادل آنها ضروری است. شالوا آمونا شویلی نیز معتقد است که طبیعت در وجود کودک نه تنها تواناییها و مهارتها و کارکردها، بلکهبلکه یک راهنمای درونی را که مسئول هدایت و فعالیت و رشد کودک است،به ودیعت نهاده است. طبیعت،انسان را تنها به مراقبت والدین و معلمان وانگذاشته است. پرورش دهندگان - آموزگاران، پدر و مادر،سازمانهای خدمت رسان به کودک- باید نقش بازی را در پرورش و رشد کودک که از خصایص اوست،درک کنند(همشهری،۲۵ مهر ۱۳۸۱).رشد کودک از طریق بازی بهتر صورت می گیرد. بازی باید با شوق و لبخند توام باشد (شیعه،۱۳۹۱،۵۲).

به نظر جان لاک، باید به کودکان این امکان را داد که در هر زمان که ممکن باشد،در فضای باز به بازی بپردازند(رضویان،۱۳۷۸،۷۳). به نظر تایهوفوکوا، بازی درمانی از راه حلهای رفع مشکلات و فشارهای عصبی دوران کودکی نیز به حساب می آید و از انزوای کودکان می کاهد.این بازیها شامل ورزش ،خواندن کتاب،تماشای تلوزیون،موسیقی،نقاشی،داستانو نظایر آنها می شود(پیام یونسکو،آبان ۱۳۷۱، ۳۱).

با توجه به موارد فوق ، یکی از اساسی ترین نیازهای کودک ، احتیاج به بازی است.بویژه آنکه در فضاهای پر تراکم شهری ،واحدهای مسکونی روز به روز به دلایل مختلف به کاهش سطح زیر بنا دچار شده و فضای تنگ،کوچک و گاهی تاریک خانه ها قابلیت بازی ، جنب و جوش و سرگرمی کودکان را از دست می دهد. اگر فضاهای شهری،در کنار خود محیطهای مناسبی برای کودکان - همچون فضاهای باز مناسب ، فضاهای سبز و تفریحی ، کتابخانه،تالارها و زمینهای ورزش،مراکز پرورش جسمی و فکری،مراکز فرهنگی،تالارهای اجتماعات،مراکز آموزش فعالیت های هنری،مدرسه های باز و بزرگ...-به همراه نداشته باشد ،اینگونه فضاها به طعنه پاتریک گدس،فضاهای خشک سنگدل لقب خواهند گرفت(mumford۱۹۷۶،۸۳-۱۰۶).

در هر مرحله یا زیر محله شهری و به طور کلی تمام مجموعه شهر ،معیار مورد توجه ،اعتدال برای ساکنان است. در ارتباط با کودکان نیز علاوه بر دسترسی مناسب و ایمن به مراکز آموزشی حتی تعداد دوره های قابل برگزاری در مراکز آموزشی و تعداد

نفرات در کلاس در نظر گرفته می شود .(قاضی زاده،بی تا) در مجموع نظر بر آن که در محله و زیر محله و سلسله مراتب بالاتر آن محیطی سالم به منظور تعالی اجتماعی جمعیت فراهم آید.

در شهرسازی علاوه بر تاکید بر نقاط فوق ،به کیفیت زندگی شهری برای کودکان نیز توجه اساسی معطوف شده است . به عنوان مثال در برنامه ریزی مسکن،ایجاد سطح زیر بنای مناسب به نسبت اعضای خانوار -شامل کودکان-و به نحوی که رفاه یکایک آنان در واحد مسکونی از نظر ایمنی ،آرامش و آسایش تامین باشد،پیش بینی شده است(شیعه، ۱۳۷۸،۶۳-۶۵).

کودکان ،نیازمند محیطهایی هستند که آنان را مخاطب قرار دهد،به چالش وادار و جلب توجه آنان را بکند تا آنها مشاهده کنند و بیاندیشند. خیابانها و میادین دارای آب نما ،کودکان را به مشارکت و توجه دعوت می کند . فروشگاه های جذاب و علائم خیابانی ،می تواند علاقه به مطالعه را بویژه در کودکان پیش دبستانی برانگیزاند.رویدادها و سرگرمی های خیابانی ،جشنها و جشنواره ها، بازارها و فضاهای باز و سبز منشا علاقه وجذابیت دائمی برای کودکان می باشد(شیعه،۱۳۹۱،۵۹).

به منظور تضمین ،توجه،ایجاد علاقه و مشارکت کودکان در شهرها،می توان به این نتیجه رسید که از دیدگاه شهرسازی شهر خوب برای کودکان باید واجد شرایط زیر باشد:(۷۲-۱۱۶، ۱۹۹۷، lennard).

-در یک شهر خوب برای کودکان،باید سازمان دهی کالبدی و اجتماعیبر اساس حس اعتماد و انصاف و عدالت قرار داشته باشد و آنها را ارتقا دهد.در این مورد ایجاد فضاهای عمومی که در آنها حداقل یک بزرگسال شناخته شده حضور داشته باشد و حفاظت و امنیت کودکان را پوشش دهد،ضروری به نظر می رسد. این فضاهای عمومی باید به نحوی طراحی و برنامه ریزی شوند که بر میزان ارتباط میان افراد در گروه های سنی مختلف و دارای زمینه های اجتماعی متفاوت بیافزایند.

-فرصت مشاهده مردم،بزرگسالان و کودکان در فعالیت ها و مشاغل مختلف بر جاذبه های اجتماعی کودکان می افزاید.

- بزرگسالان باید علاوه بر کودکان خود ،نسبت به سایر کودکان شهر و محله های شهری احساس مسئولیت نمایند.

- در شهرها باید فضای عمومی امن ،همراه با معابری دور از مخاطرات رفت و آمدسواره که به کودکان اجازه آن را می دهد که شهر ،همسایگان و هم محله ایهای خود را کشف کرده و نظاره گر آن باشند،در طیف گسترده ای به وجود آید.

- یک محیط شهری شفاف ،سالم و قابل درک برای کودکان جایی است که بتوان به راحتی و به صورت پیاده در آن حرکت کرد.

- توجه به نقشهای ارزشمند اجتماعی و فرهنگی و مشارکت کودکان در رویدادهای اجتماعی و مراسم مذهبی بسیار اهمیت دارد.

- نزدیک بودن فاصله محل کار و محل زندگی خانواده ها ،به نحوی که کودکان و والدین در طول روز به یکدیگر دسترسی داشته باشند،ضروری به نظر می رسد.

- در خیابانها و فضاهای عمومی شهر ،باید به ایجاد عناصری که برای کودکان موجب شگفتی و شعف شود ،پرداخت.

- وقایع و جشنهایی که حس ملی ،مذهبی،تاریخی و علاقه به جامعه و سنتهای آن را ارتقا می دهد و برای کودکان نیز ضروری به نظر می رسد ،باید در شهرها تقویت شود.

- نوع بافت های شهری ،ساختمانهای جذاب، رنگ، مواد،شکل و ریخت ساختمان ها که علاقه کودکان را بر می انگیزد ،در طراحی شهری بسیار اهمیت دارد.

- فضای شهری باید طبیعت را به داخل شهرها بکشاند . باید کودکان با تمام پدیده های طبیعت مانند آب گیاه و درخت ،حیوانات و پرندگان و حتی حشرات ،در ارتباط باشند.کودکان از این طریق می آموزندو می فهمند که به طبیعت عشق بورزند و آن را حفظ کنند(شیعه، ۱۳۹۱،۶۲ -۶۱).

حقوق کودک :

در سال ۱۹۸۹ کنوانسیون حقوق کودک و به دنبال آن در سال ۱۹۹۶در دومین گردهمایی اسکان بشر سازمان ملل ،ابتکارشهرهای دوستدار کودک برای اولین بار با عنوان (ساخت و تبدیل شهرها به مکان های زیست پذیر برای همگان)،مطرح و طی قطعنامه ای امضا گردید. شهرهای دوستدار کودک نقطه عطفی برای پیشبرد حقوق کودکان است .مشخصه های زیادی را می توان برای شهرهای دوستدار کودک برشمرد که در آن شاخص مهم شناسایی محل سکونت سالم،رفاه کودکان است.(سینایی و همکاران ۱۳۹۲).

همپای با فعالیت های با فعالیت های مستمر سازمان ملل متحد که از سال ۱۳۲۵(۱۹۴۶ میلادی)به منظور بهبود شرایط زیست انسانها و از جمله کودکان صورت گرفته است،همه روزه این مسائل مورد بحث کنفرانس های مختلف جهانی بوده است که هر یک به نوعی مسائل کودکان را در راس برنامه های مصوب قرار داده اند. از آن جمله می توان به همایش جهانی ۱۳۵۱(۱۹۷۲ میلادی) در عرصه بهبود محیط زیست که در شهر استکهلم بر پا شد،گزارش برانت لند -brant land-درباره (آینده مشترک ما) - our future common-[۷] که به ایجاد شورا های ملی توسعه پایدار - sustainable development-[۸] منجر شد، همایش سران زمین - environment development[۹]- که در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲ میلادی) در شهر ریدوژانیرو تشکیل شد (شورایعالی حفاظت محیط زیست ،بی تا ،۳و۴) و همایش زیستگاهای انسانی human -settlenets[۱۰]- که در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶ میلادی) در استانبول تشکیل گردید (۱۹۹۵ united nations) اشاره کرد. (شیعه ،۱۳۹۱،۶۸-۶۷) تلاشهای انسان دوستانه در جهت رعایت حقوق کودکان در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹ میلادی) با صدور دومین اعلامیه جهانی حقوق کودک ابعاد تازه ای یافته است. این اعلامیه که از سال ۱۳۶۹(۱۹۹۰میلادی) به مرحله اجرا در آمده است، رعایت حقوق کودک را بیش ازآنچه که قبلا بوده ایت ، مورد توجه قرار می دهد . جمهوری اسلامی ایران نیز در اسفند ماه ۱۳۷۲ به موجب ماده واحده ای که به تصویب مجلس شورای

[۷] آینده مشترک ما
[۸] توسعه پایدار
[۹] توسعه محیط زیست
[۱۰] زیست گاه های انسانی

اسلامی رسید، به کنوانسیون حقوق کودک ملحق گردیده است (عبادی ،۱۳۷۶،۱) . کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده است . به موجب اعلامیه جهانی حقوق کودک (پیام یونسکو،۲۵۷، ۴۲-۴۰) و (سروش و یونیسف،۱۳۷۶) .

شهر دوستدار کودک :

تحقیق در حوزه ی شهر دوستدار کودک به ویژه در اروپا، از سالهای ۱۹۸۰ به بعد مورد توجه قرار گرفت. عمده این تحقیقات در راستای دادن حق شهروندی به بچه ها و رسیدگی به خواستها و نیازهای آنها بود. در این راستا طرحهایی با عنوان "شهرهایی برای کودکان" و یا "شهرهایی برای دختران و پسران" تعریف میشد. این طرحها بر سه فاکتور اساسی تاکید داشت : ۱. برنامه ریزی مشارکتی که در آن بچه ها همانند دیگران در راستای ساختار دادن شکل فضایی محیط نقش اساسی دارند. ۲. مراکز کودکان که به آنها فرصت جمع آوری و شکل دادن به خواسته هایشان را میدهد. ۳. انگیزه و فرصت دادن به بچه ها در راستای استقلال تصمیمگیری های محیطی بدون دخالت دادن بزرگترها (UNICEF ۲۰۰۵ :۵) بررسی ادبیات موجود در حوزه شهرهای دوستدار کودک نشان میدهد که اهداف و شاخصه های مختلفی برای اینگونه وجود دارد. ایجاد فرصتهای مشارکت برابر برای کودکان به آنها یاد میداد که چگونه از حقوقشان آگاهی پیدا کنند و نسبت به آن حساسیت نشان دهند. در تحقیقاتی از این دست، مدارس همواره نقش تعیین کنندهای در ایجاد زمینه های مناسب مشارکتی کودکان دارند (دریسکل، ۱۳۸۷).

شهر دوستدار کودک شهری است که در آن خواسته های کودک در اولویت قرار گرفته و شرایط اجتماعی، فرهنگی و معماری شهر همسو با نیاز آنهاست و حقوق کودکان در سیاس تها، قوانین، برنام ها و بودج ها منعکس م یشود .رویکرد " شهر دوستدار کودک "شهر را به سمتی سوق می دهد که در آن کودکان نقش مؤثری در مورد شهر خود داشته و نظرات آنها در تصمیمات شهری ابراز شود و خانواد ه ها واجتماع نیز موظفند کودکان را در مسائل مهم و تصمیمگیریها دخیل کنند .درواقع شهر دوستدار کودک، مکانی است که کودکان در آن احساس امنیت و آرامش میکنند و قادرند به کاوش و یادگیری در مورد فضاهای پیرامون خود بپردازند. یک شهر دوستدار کودک، یک شهر دوستدار مردم نیز میباشد(حامد کامل نیا ،سعید حقیر،۱۳۸۸).

بیشک برای دستیابی به اهداف شهرهای دوستدار کودک و محیط مورد نیاز و علاقه کودکان، نیاز به مشارکت آنها در ساخت و برنامه ریزی شهر می باشد و این امر نیازمند توجه بزرگسالان ومسئولان شهری به نقش کودکان است .ولی آنچه در واقعیت باآن ر وبه رو هستیم این است که بسیاری از بزرگسالان با اینکه خود را حامی کودکان و نوجوانان میدانند، دیدگاهی نسبتاً متفاوت نسبت به آنها در شهر دارند که موجب کمرنگ شدن نقش کودکان در شهر م یشود. به طور مثال ممکن است آنها کودکی را دوران حساسی بدانند که کودک را باید از مسائل بزرگسالان دور نگاه دارند یا ممکن است مشارکت آنها را یک حس خوب ولی با ارزش اندک بدانند[دریکسل، 29:1387.] مهمترین فواید مشارکت کودکان و نوجوانان در توسعه محیط ساخته شده عبارتند از:

•تقویت استنباط و تصمی مگیری بزرگسالان؛ به عبارت دیگر تجربه

کودکان و نوجوانان،

•برطرف کردن لزوم فرضیات بزرگسالان در مورد اینکه کودکان و

نوجوانان چه کسانی هستند، چه نیازهایی دارند و خواسته های آنها چیست؟

•به رسمیت شناختن حق کودکان برای مشارکت در برنامه های

توسعه جامعه به عنوان شهروندان جامعه خود(کربلایی ،سهیلی،۱۳۹۳).

درخواست برای ایجاد شهرهای دوستدار کودک، ریشه در شناخت این موضوع دارد که شهرها، خانه هایی برای افزایش حمایت از حقوق کودکان هستند. با این وجود بسیاری از شهرهایی که ایده آل بچه ها نیستند دولت هایی را دارند که اقدامات اندکی در این جهت انجام می دهند(UNICEf ۲۰۰۲،۷).

ایجاد محیطهای شهری که واقعاً از جامعه کودکان حمایت کنند،نیاز به بررسی و مطالعه دارند که گستر های از موضوعات در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی(اسماعیل زاده و کیانی، ۱۳۹۱:۵۳).

مروری بر پروژه های انجام شده :

درکشور ما شهر بم (بعد از زلزله ناگوار سال ۱۳۸۲) از نمونه هایی بود که رویکرد دوستدار کودک در بازسازی آن مورد نظر قرار گرفت . یکی از پروژههای تعریف شده در این راستا پیدا کردن الگوهای طراحی فضای سبز با توجه به دیدگاه های بچه ها بود . در این طرح با استفاده از متدولوژی گروه- بحث و روش های مشارکتی همچون قصه گویی، جداول و پازلها، مدلسازی، نقاشی و ... نظرات بچه ها در ارتباط با فضاهای سبز جمعآوری و تحلیل شد. با وجود اینکه بیشتر تصورات بچه ها مربوط به موضوعاتی بود که در گذشته تجربه کرده بودند، شاخصه هایی چند در راستای دست یافتن به الگوهایی برای انتخاب مصالح، نحوه جانمایی فضاها، برخی از فضاهای مورد نیاز، نحوه محصور کردن فضاهای سبز، مسیرهای دوچرخه، محل گلها و درختان و ... وجود دارد. فضای سبز در تلفیق با فضاهای بازی، قلمروهای جداگانه برای بچه ها و بزرگسالان، فضاهایی برای خاطره نویسی، مجسمهها، مصالحی مانند چوب و زمینهای چمن از جمله خواستهای کودکان در راستای توصیف الگوهای فضای سبز در یک نمونه مربوط به نتایج یک گروه بحث در پروژه شهر دوستدار کودک بم بود (کامل نیا ، حقیر،۱۳۸۸).

زمان آن فرا رسیده است که کودکان و ارزشهای آن ها وارد معادلات شهرسازی و برنامه ریزی شهری شده و مدیران شهری امکان زندگی لذت بخش را برای آنان فراهم آورند. این پروژه با هدف بررسی کیفیت فضای عمومی شهری جهت استفاده کودکان ۱۴-۱۱ سال منطقه ۱ شهر نجف آباد تهیه گردیده است که بر اساس روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و بر اساس هدف کاربردی است و از روش های کتابخانه ای و میدانی برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری ۲۶۵۹ نفر از کودکان ساکن در منطقه ۱ شهر نجف آباد می باشد که اطلاعات آماری از طریق توزیع ۳۵۰ پرسشنامه (که پایایی آنها از تحلیل آماری آلفای کرونباخ (α) برابر ۸ . بدست آمده است که نشانگر پایایی مطلوب پرسشنامه ها می باشد.) در میان کودکان بدست آمده و از طریق نرم افزار spssمورد تحلیل قرار گرفته اند. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت عناصر کالبدی پارک ،خیابان، پیادرو و میدان بر دیدگاه کودکان از یک فضای خوب شهری تاثیر گذار است همچنین عناصر کارکردی پارک، خیابان و پیادهرو بر دیدگاه کودکان از

یک فضای خوب شهری تاثیر گذار می باشد و با توجه به نتایج می توان گفت میزان تاثیر عناصر کارکردی میدان بر دیدگاه کودکان از یک فضای خوب شهری یکسان نمی باشد (سینایی، خادم الحسینی ، ۱۳۹۳،).

فضاهای شهری در برآورده ساختن نیازهای اجتماعی و فردی کودکان و نوجوانان شهر، نقش منحصر به فردی دارند.این فضاها بخش عمد های از زمان و محیط زندگی روزمره سا کنان از جمله کودکان و نوجوانان را به خود اختصاص می دهند و از دیدگاه مهندسی علوم انسانی، ارتقای کیفیت این فضاها می تواند در سلامت و رشد قوای جسمی، تقویت تعاملات اجتماعی و همبستگی های گروهی و پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان مؤثر باشد .این نوشتار می کوشد تا مبانی، ویژگی ها و فضاهای مورد نیاز برای ایجاد یک شهر دوست داشتنی از دیدگاه کودکان را بررسی کند. روش مورد استفاده در این مقاله، روش توصیفی _تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخان های، اسنادی و بررسی های میدانی می باشد و جنبه کاربردی دارد .در این مقاله سعی شده از رو شهای مشارکتی مانند پرسشنامه، نقاشی،انشا و مصاحبه با 130 کودک قزوینی در مورد شهر و فضاهای شهری و همچنین فعالیتهایشان استفاده شود .در این راستا در گام نخست اطلاعات جامعی راجع به مکا نهای مورد علاقه و مکا نهایی که کمتر مورد علاقه کودکان است، جمع آوری شد .در گام دوم به بررسی فعالیت های مورد علاقه کودکان پرداخته و در مرحله بعدی ویژگ یهای یک شهر دوست داشتنی از نگاه کودکان مورد بررسی قرار گرفته و در پایان برخی پیشنهادها برای رسیدن به اید ه های کودکان بیان می شود (کربلایی حسینی غیاثوند ، سهیلی، ۱۳۹۳).

مشکلات و نابرابری های خدماتی و اجتماعی ناشی از وضعیت نامناسب شهر نشینی ،ضرورت برنامه ریزی برای تامین نیازهای مبرم گروه های سنی مختلف،به خصوص کودکان را ایجاب می کند و قطعا احداث محیط شهری سازگار با روحیات کودکان ، سهم عمده ای در بلوغ اجتماعی و تکامل شخصیتی آنان خواهد داشت. شهر دوستدار کودک(CFC) شهری است. که کودک در آن ،از آب سالم و سایر امکانات بهداشتی برخوردار است و در عین حال در چنین شهری امکان بیان عقاید خود را داشته و می توانند در برنامه های شهر مشارکت داشته باشد . تحقیق حاضر به دنبال بررسی و تحقیق مقایسه ای بین محلاتشهر قوچان از جمله : یعقوب آباد ،منطقه سه و محله فرهنگیان دو از لحاظ شاخص های مطلوب شهر دوستدار کودک می باشد که شاخص های مورد بررسی عبارتند از : فضاهای عمومی و مبلمان شهری ؛حمل و نقل وترافیک؛فرهنگی - اجتماعی . در این پژوهش روش تحقیق ،توصیفی -تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی ، بررسی میدانی و مصاحبه بوده که تجزیه و تحلیل اطلاعات با نرم افزار Spss صورت گرفته همچنین برای ارزیابی و رتبه بندی مناطق نمونه از مدل تصمیم گیری (Topsis) استفاده گردید. یافته ها نشان می دهد،در بحث مبلمان شهری از بین محلات مورد مطالعه ، محله یعقوب آباد با میانگین کل ۲,۸۵ نسبت به دیگر محلات ضعیف بوده است. همچنین در بحث ترافیک شهری از بین محلات مورد مطالعه ،محله فرهنگیان دو با میانگین کل ۳,۱۵ از وضعیت بهتری برخوردار بوده است ،وضعیت منطقه سه با میانگین ۲,۸۸ متوسط به پایین را نشان داده و محله یعقوب آباد نیز با میانگین ۲,۹۹ از وضعیت متوسطی برخوردار بوده است . با استفاده از مدل Topsis مشخص گردیده که وضع موجود شاخص شهر دوستدار کودک در منطقه سه با ضریب اولویت (۱>۰/۲۷۱>۰) بیان کننده این مهم می باشد که از نظر شاخص های مورد بررسی در وضعیت نامطلوبی قرار داشته است ،در محدوده یعقوب آباد با ضریب (۱>۰/۳۷۵>۰) تا حدودی مطلوب و در محدوده فرهنگیان دو با ضریب اواویت (۱>۰/۶۶۸>۰) از شرایط نسبتا مطلوب تری برخوردار بوده است. در پایان می توان این مهم را اینگونه تفسیر نمود

که مکانیزم های اجرایی لازم جهت عملیاتی نمودن آئین نامه ها ، استاندارد ها و معیار های شهر دوستدار کودک برای کودکان در شهر قوچان وجود دارد. اما این مکانیزم ها به دلایلی موجب گردیده اند تا این طرح ها به مرحله اجرا نرسند(اسماعیل زاده کواکی ،۱۳۹۰).

نمونه هایی از روند اجرای CFC در کشورهای جهان

فیلیپین از سال ۲۰۰۱ تاکنون چارچوب راهبردهای ملی توسعه حقوق کودکان را در دستور کار دولت فیلیپین قرار گرفته داده است و طرح CFC را در ۲۲ استان و ۶ شهر با همکاری یک سازمان غیر دولتی تحت نظارت یونیسف و شهرداری با رویکرد توسعه محلی برای کودکان، سرمایه گذاری محلی برای کودکان و کد محلی برای آن ها گسترش داده است.

این طرح با اهداف زندگی روزمره کودکان، برنامه مشارکت کودکان، ارتقاء همبستگی بین المللی، آگاهی از حقوق کودکان و همکاری با یونیسف پایه گذاری شده است، هر شهری که به عنوان شهر دوستدار کودک منصوب می شود باید فعالیتش را در راستای برآورده ساختن این اهداف جهت گیری نماید و جلساتی به صورت سالانه برای اطمینان از حصول و تبادل اطلاعات در این کشور برگزار می شود .در فیلیپین این طرح با ۲۴ شاخص در زمینه های بقا، توسعه، حمایت و مشارکت توسعه یافته است و برای نیل به اهداف کودکان را با چهار هدیه که شامل طرح توسعه محلی برای کودکان، طرح سرمایه گذاری محلی برای کودکان، یک کد محلی بر روی کودکان و گزارش دولت از کودکان است، تشویق می کنند .این طرح با چشم انداز میان مدت و بلند مدت در بخش هایی از کشور در حال اجراست و مسئولین فیلیپینی امیدوارند با اجرای صحیح CFC تا سال ۲۰۲۵ به هدف اصلی که همانا جامعه ای بدون نقض حقوق کودکان است برسند.

در **فرانسه**، CFCتوسط انجمن شهرداران فرانسه،کمیته ملی فرانسه و سازمان یونیسف در سال ۲۰۰۲ راه اندازی شد که شامل شبکه ای با حضور حدود ۱۷۰ شهر از تمام نقاط کشور است و عملکرد آن توسط کمیته ارزیابی مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد.

در **برزیل** از سال ۲۰۰۴ این طرح با همکاری یونیسف و شهرداری در یکی از مناطق فقیر نشین که شامل ۱۱ ایالت بود، شروع به کار کرد و دولت مسئولیت تامین هزینه های های مناسب است و این بودجه را در اختیار شهرداری ها قرار می دهد و وضعیت هر شهرستان برای ورود به این عرصه بر اساس شاخص های ثروت در دو گروه مورد بررسی قرار می گیرد. معیار گروه اول برای انتخاب، فرآیند ارزیابی است که از نظر کمی شامل ارزیابی داده ها و از لحاظ کیفی مشاوره عمومی را در بر می گیرد و گروه دوم شهرهایی را که در سه حوزه تاثیر اجتماعی، سیاست های مدیریت دولتی و مشارکت مدنی بهتر عمل می کنند را به نشان تصویب شهر دوستدار کودک نزدیک می کند، عملکرد این شهرها هر دو سال یک بار مورد بررسی قرار می گیرد. شهرداری بزرگ **المان** از سال ۲۰۰۴ با ایجاد یک آژانس اجرایی، طرح CFC را با هدف توسعه برنامه هایی برای کودکان در سطح محلی آغاز کرد و در همین راستا با انتشار سندی تحت عنوان "سیاست ها و اولویت ها برای کودکان" از طریق یک رویکرد

مشارکتی این طرح را گسترش می دهد و نقشه راهبردی جامعی را برای زندگی کودکان با متمرکز شدن روی برنامه های اجتماعی، امنیت، حفاظت، فرهنگ، آموزش و ... ترسیم می کند و چهار شورای شهرداری کودکان را با مشارکت خودشان از طریق انتخابات تشکیل داده است.

شهر دوستدار کودک در **اسپانیا** در سال ۲۰۰۴ توسط یونیسف، وزارت کار و امور اجتماعی و با مشارکت شهرداری ها و استانداری ها راه اندازی شده است و یک چارچوب کلی برای روند تبدیل شدن به شهر دوستدار کودک مشخص کرده است.

شهرها می توانند با شرکت در فراخوانی که هر دو سال یکبار برای صدور مجوز صورت می گیرد، برای تبدیل به شهر دوستدار کودک اعلام آمادگی نمایند و چهار سال برای پیشبرد اهدافشان در این زمینه به آن ها وقت داده می شود.

شهری که بتواند وجود استراتژی کودکان در سطح شهر، طرح عمل و اقدام هماهنگ، ایجاد شورا برای کودکان و مشارکت رسمی کودکان در شورای شهر را احیا کند به عنوان شهر دوستدار کودک شناخته شده و گواهینامه رسمی را دریافت می کند. در سال ۲۰۰۴**سوئیس** نیز با همکاری یونیسف، سازمان های دولتی و غیر دولتی به کشورهای مجری این طرح پیوست و فرایند تبدیل شدن به شهری که همسو با معیارهای کودکان است را در هفت مرحله زیر اجرا می نماید. در مرحله اول توسعه تجزیه و تحلیل موقعیت صورت می گیرد که در این زمینه پرسشنامه ای به دفاتر شهرداری ارسال می گردد، سپس شهرداری ها با اعلام نظرات خود، نتایج به دست آمده از پرسشنامه را مطرح می کنند، در گام سوم شناسایی و آسیب شناسی این طرح مورد بررسی قرار می گیرد و شهرداری ها تصمیم خود را در مورد شهر انتخاب شده به عنوان "شهر دوستدار کودک" بیان می کنند، پس از آن کارگاهی برای اعمال نظرات و بیان خواسته های کودکان و نوجوانان تشکیل می شود و برنامه ها در راستای توسعه شهرهای دوستدار کودک برای چهار سال آینده بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه و نظرات کودکان مدون می گردد، در مرحله ششم شهرداری ها پس از تصویب گزارش خود، فعالیت های موثر در زمینه مشارکت کودکان را ارزیابی می نمایند و شهری که با معیارهای مطرح شده همخوانی داشته باشد، توسط کمیته ارزیابی این شهر به عنوان "شهردوستدار کودک" شناخته می شود.

کشور **اندونزی** نیز در سال ۲۰۰۷ پس از برپایی چندین سمینار، کارگاه و با مشارکت وزارت توانمندی سازی زنان و سازمان حفاظت از کودکان در 5شهر فعالیت خود را در زمینه طرح شهر دوستدار کودک شروع کرد و تعداد این شهر ها در سال ۲۰۰۸ به صورت آزمایشی به ۱۵ شهر افزایش پیدا کرد، این طرح با استقبال دولت های محلی بر مبنای بودجه هایشان روبرو شد. علاقه زیاد شهرها برای حرکت به سمت CFC باعث ایجاد یک رقابت در سال ۲۰۰۹ شد، دولت اندونزی از همه علاقه مندان خواست تا در مسابقه ای با همین مضمون شرکت کنند و رقابت در پنج حوزه خط مشی، سازمان، برنامه ها و فعالیت ها، تخصیص بودجه صورت گرفت، پس از آن گزارش ها توسط گروه ارزیابی مورد بررسی قرار گرفت و ۱۰ شهر به عنوان شهر دوستدار کودک در این رقابت معرفی شدند (پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان،۲۷۴۳،۱۳۹۱).

نتیجه :

علی رغم تلاشهای گسترده ای که به منظور بهبود شرایط زیست کودک در جهان صورت می گیرد ،اگرچه شرایط زیست او در طول دهه های گذشته بهبود نسبی یافته است،ولی مشگلات مربوط به کودکان هنوز به نحوچشمگیری وجود دارد .

برای بهبود شرایط اجتماعی کودکان در زندگی جمعی شهرها و افزایش توانایی اجتماعی آنان باید در درجه نخست به رشد و تکامل همراه با تندرستی کودک اندیشید سپس با تقویت خانواده ها به عنوان پرورانده اصلی کودکان زمینه را برای اقدامات بعدی فراهم ساخت.

بیشک برای دستیابی به اهداف شهرهای دوستدار کودک و محیط مورد نیاز و علاقه کودکان، نیاز به مشارکت آنها در ساخت و برنامه ریزی شهر می باشد و این امر نیازمند توجه بزرگسالان ومسئولان شهری به نقش کودکان است .

با توجه به پروژه های انجام شده در داخل کشور پروژه ی شهر بم در راستای پیدا کردن الگوهای طراحی فضای سبز با توجه به دیدگاه های بچه ها بود، تحقیق صورت گرفته در نمونه موردی طراحی فضای سبز در پروژه شهر دوستدار کودک بم نشان می دهد که نظرات بچه ها در حوزههای مختلف قابل بررسی است:

نحوه محصوریت فضای سبز، رنگ و نور در فضا، رابطه فضای سبز با فضاهای مصنوع، جنسیتها و مصالح، رابطه فضاهای بچه ها و فضاهای بزرگسالان، ماشین و دوچرخه، محل درختان و گلها و رابطه با مدرسه از مواردی است که بچه ها به آنها توجه ویژهای دارند.

پروژه ی نجف آباد با هدف بررسی کیفیت فضاهای عمومی شهر جهت استفاده کودکان ۱۴-۱۱ ساله به انجام رسیده، نتایج مطالعه موردی در منطقه یک شهر نجف آباد نشان می دهد که کودکان دارای مجموعه ای از خواسته ها از عناصر کالبدی و کارکردی فضاهای عمومی هستند تا بتوانند از این فضاها به نحو احسن و مطلوب بهره ببرند. این فضاهای عمومی شامل خیابان ها ،پارک ها،پیاده رو ها و میادین شهری می شوند که ه کدام مورد سنجش قرار گرفته اند. پروژه قزوین به یررسی فعالیت های مورد علاقه کودکان پرداخته شده، در طی تحقیقات، ثابت شد که تا چه حدی برای کودکان اهمیت دارد که به عقاید آنان گوش فرا دهیم و نظرات آنها را بدانیم .از سؤالات معمول آنان این بود که : به چه کسی خواهی گفت؟ و چه کسی نقاش یهای ما را خواهد دید؟

در آخر پروژه ی محلات قوچان که مقاله ی مقایسه ای شهر دوستدار کودک بین محلات از نظر مبلمان شهری، فضای عمومی ، حمل و نقل وترافیک ،اجتماعی ،فرهنگی مورد بررسی و مقایسه قرار داده اند.

نمونه هایی از روند تشکیل شهر های دوستداره کودک را در کشورهای دیگر مثل فلیپین در سال ۲۰۰۱ ، فرانسه در سال ۲۰۰۲ ، برزیل ، آلمان ، اسپانیا، سوئیس در سال ۲۰۰۴ و اندونزی در سال ۲۰۰۷ را داشتیم.

با توجه به تمام پروژه های انجام شده می توان این نتیجه ی کلی را گرفت که فضای عمومی یکی از مهم ترین بخش هایی است که مورد توجه کودکان بعد از خانه و خانواده مهمترین مکان برای رشد اوست، و کودکان علاقه ی زیادی در گذراندن اوقات خود در این مکان ها اعم از فضای سبز دارند و در تمام پژوهش ها سعی در به وجود آوردن فضای مناسب تری برای کودکان شده است.

منابع

۱. شیعه ،اسماعیل ،(۱۳۹۱)،آماده سازی شهر برای کودکان ،نشر شهر.

۲. کامل نیا ،حامد وحقیر ،سعید ،(۱۳۸۸)، الگوهای طراحی فضای سبز در" شهر دوستدار کودک"(نمونه موردی شهر بم) ،فصلنامه باغ نظر ۶ (۱۲):۸۸-۷۷

۳. سینایی،سمانه وخادم الحسینی ،احمد،(۱۳۹۲)،تحلیل کیفیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه کودکان ۱۴-۱۱ سال (مطالعه موردی :منطقه یک شهر نجف آباد)،فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی ۳ (۹)،بهار ۹۳

۴. کربلایی حسینی غیاثوند،ابوالفضل و سهیلی، جمال الدین ،(۱۳۹۳)،بررسی ویژگی های شهر دوست داشتنی از نگاه کودکان (مطالعه موردی منطقه دو شهرداری قزوین)،فصلنامه علمی_ پژوهشی مطالعات شهری ۵۹(۹)،زمستان ۱۳۹۲

۵. کیانی،اکبرو اسماعیل زاده کواکی،علی ،(۱۳۹۱)،تحلیل و برنامه ریزی (شهر دوستدار کودک) cfcاز دیدگاه کودکان (مطالعه موردی :قوچان)،فصلنامه علمی_پژوهشی باغ منظر ۲۰(۹)، بهار ۱۳۹۱

۶. پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان ،۱۳۹۱،۲۷۴۳